

پیام تسلیت

خانواده محترم ملک زرین

شهادت مجاهد بزرگوار و سردار قهرمان اسلام را به خانواده محترم ملک زرین و ملت عزیز افغانستان تسلیت می گویم
دفتر نشریه آینه روز و بزرگان قوم مشوانی کابل

سخن نخست

سریال فرار از زندان نتیجه داد

حالا منتظر حمله بیولوژیکی

قهرمان سریال ۲۴ در کابل باشید

بخش سریال های همراه کننده و راهگشا در زمینه های مختلف که برای انحراف نسل جوان طراحی شده است می تواند نتایج ناگواری در زندگی سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ما بار آورد. با وجود سروصداهای زیاد مردم و مسئولین و کنترل فلم های مبتذل، اکشن و جنگی تعدادی از تلویزیون ها در شرایط حساس جنگی و فرهنگی مشغول پخش کردن فلم هایی هستند که در زمینه های مختلف سیاسی و اقتصادی و فرهنگی زبان بار است. مسیر دادن زنان در مسیری که ترکیه در هفتاد سال آن را آزمایش کرد و اکنون پشیمان است و می خواهد اشتباهات هفتاد ساله را جبران کند خود خیانت به خانواده ها و جوانان ماست. مشروب خوری زنان، رفتن جوانان به راقص خانه ها و مدل های لباسی که با فرهنگ ما مغایرت دارد و حرکت های نادرستی که در فلم های مختلف غربی و ترکی می بینیم همه و همه جهت دهنده و خلاف معیارهای فرهنگی و اسلامی ماست و همین سریال ها و فلم های نابجا مشکلات زیادی به خانواده ها پدید آورده و انقلاب عظیم و مخربی را در وجود نسل جوان به وجود آورده است. سالها پیش به کمونیزم و رهبر اوقصه پی ساخته بودند و آن این طور بود که شخصی نزد "لینن" رفت و گفت: حالا همه چیز اشتراکی است و زن نیز به گفته شما باید اشتراکی باشد. من آمده ام تا برای مدتی زن خود را به من قرض بدهید!! او با کمال حوسردی گفت: قضیه اشتراکی بودن زن به شما گفته شده است و من رهبر هستم و این کار را خوش ندارم!!

حالا کسانی که برای مانسخره می پیچد و از طریق سریال ها جوانان ما را راهنمایی می کنند، آیا خود حاضر هستند که خواهرشان به رقص خانه برود و گو یا در چهار دیواری خانه محبوس نباشند و یا آنرا به دوستان خود معرفی کنند و یا چند گیلای مشروب با خانواده بخورند.

بهر صورت در قانون اساسی کشور نیز هر آنچه که مخالف با اسلام است ممنوع اعلان شده است و تلویزیون ها نباید خلاف دین و خلاف شریعت حرکت کنند و این حرکت ها مخالف خواسته های مردم است و یا حداقل از همه مردم پرسیده شود که آنها راضی هستند که چنین فلم هایی برای شان گذاشته شود. اکثر خانواده ها تلویزیون های مبتذل را تحریم کرده اند و از تلویزیون هایی استفاده می کنند که نکات اسلامی و یا میانه روی در آن حفظ شده است.

از مدت هاست که سریال فرار از زندان را می بینیم و این فرار بالاخره به واقعیت تبدیل شد و پنجصد زندانی از زندان قندهار فرار کردند. به همان شوبه پی که اسکافیل از زندان فرار کرد و تنها تفاوت این است که اسکافیل با چهار یا پنج نفر تونی را حفر کرد و از آن فرار کرد. ولی زندانیان قندهار برعکس از بیرون این تونل را حفر نمودند و جای چهار یا پنج نفر در حدود ۵۰۰ نفر از آن تونل بیرون رفتند. شاید این حرکت ها و این آموزش ها که از طریق تلویزیون پخش می گردد به و لایات دیگر هم نتیجه بدهد. اما مردم ما باید منتظر نتیجه سریال ۲۴ باشند. سریالی که با استفاده از مواد بیولوژیکی یک شهر را می خواهند نابود سازند.

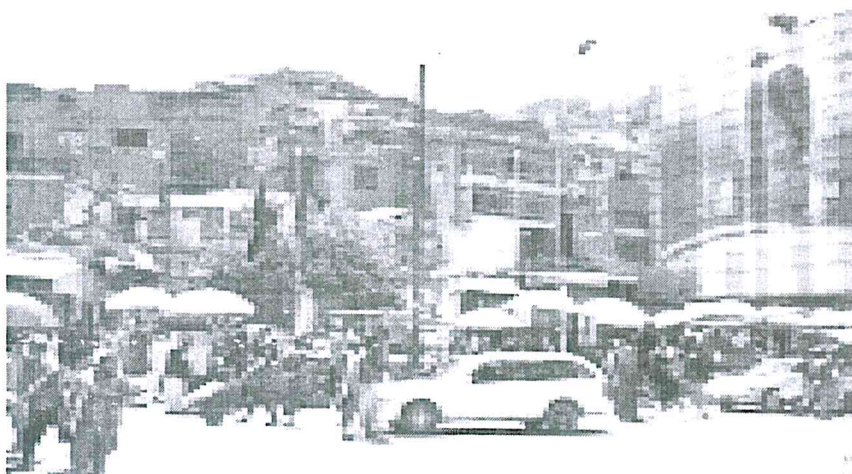
سریال ۲۴ سوژه های خوبی دارد و می تواند راهنمای خوبی برای جنگ های نامنظم و زیرزمینی باشند. مثلاً با کمترین تعداد در مراکز مهم و کلیدی حمله کنند و یا در پی دستیابی به سلاح های میکروبی و بیوزیک برآیند و این بار با استفاده از این سلاح ها حمله مرگ باری را انجام دهند و شهرکابل را به خاک و خون بکشند. با تاسف حالا همسایه های ما نیز به سلاح های میکروبی دست یافته اند و شاید سخاوتمندانه در اختیار مخالفین قرار گیرند چون ما همسایه گان خوب داریم. جان کلام اینکه تلویزیون های خصوصی بی لجام در همه زمینه ها به ما درس های خوب می دهند. درس هایی که عملی شدن آن ناممکن نیست و این جهت دادن ها می تواند مشکلات زیادی در همه زمینه ها برای ما بار آورد.

شاه می بخشد و شاه غلام نی

گزارش: عبدالرحیم

مردم می گویند: اول اینکه ریاست اوقاف اسناد خود را به ما ارائه نماید و با اسناد با ما صحبت کند. بهر صورت ابتدا ما به ساحه رفتیم و از وضعیت بد و غرقه ها و دوکان های بدقواره تر از آن عکسی گرفتیم و در قدم دوم به ناحیه دوم شاروالی مراجعه کردیم تا ببینیم موضوع چیست

تعداد زیادی از اهالی ده غوچک ده افغانان به دفتر آینه روز آمدند و از مشکل انتقال مریض ها و عبور وسایل نقلیه خود سخن گفتند. خلاصه موضوع از این قرار بود که در کنار زیارت خواجه اسحاق راه باریک پیاده رو است و مردم می خواهند این راه کمی



و در آخر متوجه نامه ریاست اوقاف شدیم که از شاروالی خواسته بود که مزاحم مستاجران ملکیت وقف شده آنها نگردند. گیرم اوقاف سند هم در درست داشته باشد و گیرم این ملکیت به اوقاف وقف شده باشد آیا اوقاف اجازه آن را دارد که سد راه مردم شود و راه عموم را به همین منوال بگذارد. شاید اوقاف نیز چون صدیق افغان می خواهند مدتی مقاومت کند و گرنه در مسیر آب و در مسیر راه همه چیز برداشته خواهد شد و اگر این ساحه مربوط به رییس جمهور هم شود باید استملاک گردیده راه از آن بگذرد. حالا خنده دار اینکه این ساحه استملکی خود شاروالی است ولی اوقاف با فرستادن نامه ها می خواهد راه را بر مردم ببندد.

بزرگتر شود تا وسایط به سرک اصلی گذر برود و راه باریک به راه کلان یا سرک کلان داخل محل وصل شود تا مردم محل بتوانند از آن استفاده کنند و سهولت هایی ایجاد گردد.

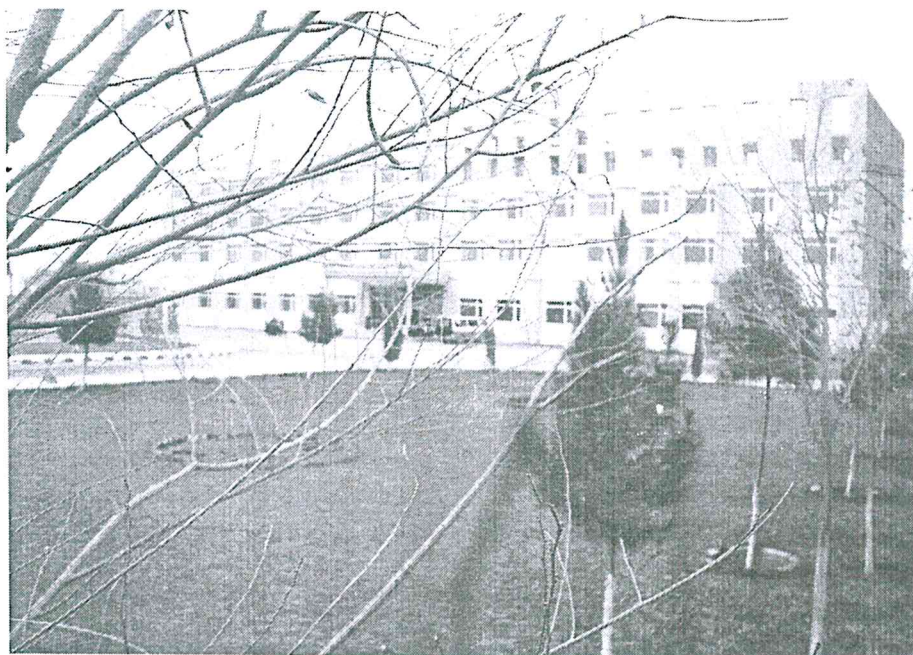
البته آنطور که مردم می گویند زمین کوچکی است که تا زمان طالبان مربوط استملاک شاروالی بود و بعد از آن بدون کدام اسناد و حکم از تعدادی دوکان ها و غرفه های خود سر در آن جا گذاشته شد و اوقاف نیز کرایه آنرا گرفت و این پروسه ادامه یافت و اینکه زمانی که شاروالی پلان بزرگ کردن سرک و حل مشکل مردم را در نظر دارد ریاست اوقاف دو پای را در یک موزه کرده و می گوید که این ملکیت مال من است و کسی حق ندارد مزاحم دوکانداران ما شود.

یک نامه سرگشاده

به رییس جمهور ترکمنیه

سید داود یعقوبی و تعدادی از اولیای شاگردان مکتب افغان ترک

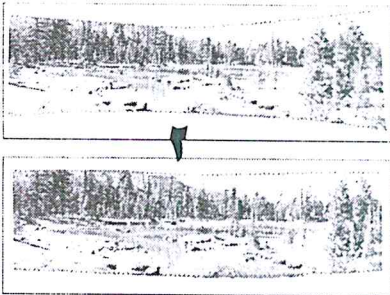
بی شک کشور ترکیه در تعلیم و تربیت شاگردان مکاتب بخصوص در دوره لیسه نقش اساسی را بازی کرده اند تربیت نمابند که باعث افتخار وطن و خانواده گردند.



و این لیسه توانسته است با استفاده از تجارب خوب تعلیمی و تربیتی در همه زمینه ها، هم در تعلیم ای کاش لیسه های دولتی و خصوصی ما نیز ر مز خوب تربیت کردند و خوب تعلیم دادن را از لیسه افغان ترک بیاموزند و در مسیر حرکت

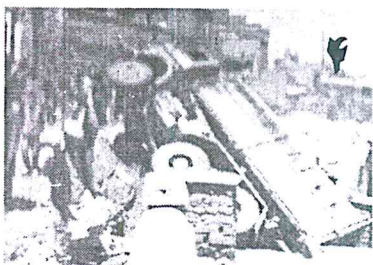
ساختار نظام در

جنگل



طلوع و تلویزیون های

دیگر باید عذرخواهی نمایند



معرفی کتاب



های تعلیمی و تربیتی خود از آن استفاده نمایند و میتودهایی را که موفقیت و سرفرازی می آورد یاد بگیرند و یا در کنار تعلیم و تربیه شاگردان لیسه کشور ترکیه معلمین ما را نیز با میتود های خود آشنا سازند و از موفقیت خود را برای معلمین ما بگویند تا باشد که هر لیسه در افغانستان قهرمان پرور باشد و هر شاگرد افغان در مسابقات جهانی علمی بین شاگردان مقام اول را بگیرند.

هر چه از معلمان خوب افغان ترک بگوئیم و هر چه از شاگردان کوشا و پرتلاش این لیسه بگوئیم کم است و به همین بسنده کنیم که شاگردان دختر و پسر این لیسه صاحب بهترین مدال های جهانی شده اند و این مدال آوران سازنده گان اصلی این سرزمین در آینده خواهند بود.

بهر صورت بحث اصلی ما این است که با وجود تلاش های زیاد معلمین ورزیده افغان ترک و با وجود سعی و تلاش این لیسه شاگردان در نیمه راه گذاشته می شوند و سرنوشت شان به دست افرادی تجربه سپرده می شود به افرادی که از این شاگردان نمی توانند خوب استفاده کنند و چهار یا شش سال بعد از فراغت از افغان ترک دیگر خلایق و نوآوری و مدال آوری از آنها گرفته می شود و محصلین دانشگاه کابل که از این لیسه فارغ می شوند دیگر شاگردان خوب افغان ترک نیستند و دیگر آوازه و شهرت شان زیر خاک می شود.

بهر صورت ما از دولت ترکیه می خواهیم که مسئولیت تمام شاگردان افغان ترک را یک بار دیگر به عهده گیرند و با ایجاد دانشگاه افغان ترک شاگردانی را که با هزار زحمت تربیت کرده اند باز هم پرورش دهند. دولت ترکیه نباید سرنوشت فرزندان ما را به دانشگاه کابل بسپارند و با ابتکار جدید خود یعنی ساختن یک دانشگاه برای ادامه تحصیل شاگردان افغان ترک که بدستان توانای معلمین ترکیه و افغان رشد کرده اند ابتکار عمل را بدست گیرند و خلایق های و ظرفیت بقیه در صفحه دوم

گله های دوستانه

از شاروال

محبوب کشور

اهالی قریه علاالدین علیا در نامه سرگشاده به دفترآینه روز نوشته اند چندین شاروال تبدیل شد و هر روز مردم محل به یک دیگر مژده می دهند که شاروال نو انشالله مشکل ما را حل می سازد اما با تاسف همان خرد است و همان درک .

آنها در این نامه نوشته اند که قبلا آبروهای این منطقه بعد از گذشتن از کنار سفارت روسیه به دریای کابل می ریخت . اما حالا این مسیر مسدود شده است و چون منطقه کمی پایین تر از سرک است و مسیرآبروهم مسدود شده است در روزهای بارانی تمام آب های منطقه در یک جا جمع می شود و به خانه های مردم می رود و زیرساخت های ساختمان ها را پوده کرده باعث تخریب خانه ها می شود .

چندی قبل مسجدقلعه نجارا به همین دلیل شهید شد و همین جمع شدن آب باعث این واقعه گردید و مردم از مسجد محروم شدند .

جالب اینجاست که موسسه ابی تات جوی های دومتره را تبدیل به جویچه های نیم متره نموده و براین مشکل بیشتر افزوده است .

چندین بار از ناحیه ششم شاروالی تعدادی آمدند و رفت و آمد های زیادی از طرف مردم به شاروالی صورت گرفت و تا حالا این مشکل به جای خود باقی مانده است .

حالا هر روز در اخبار و روزنامه ها تعریف و تمجید شاروال جدید را می شنویم و مردم ما دلگرم شده است و فکر می کنند که شاید به مشکل آنها نیز رسیده گی شود . اما نمی دانیم به تواندیش هم باور داشته باشیم و امیدوارباشیم که این مشکل حل می شود .

بهرصورت چون نمی خواستیم وقت گرانبهای شاروال را بگیریم به همین نامه اکتفا کردیم و باهم گفتیم که اگر شاروال توجه کرد خوب و اگر نکرد این هم مثل شاروال های سابقه است .

حلوای تن تنانی تا نخوری ندانی
گرچه کارهای زیادی است که باید صورت گیرد و شاروال جدید نمی تواند همه مشکلات را رفع کند و ما می دانیم که کشور فقیرهستیم و بودجه کم است و ... اما فکر می کنیم که با راه کار مناسب و مصرف کم شاروالی می تواند بزود ترین فرصت این مشکل را حل سازد .

چندی قبل شب هنگام مهمانی را می خواستیم رخصت کنیم تا به خانه خود برود وقتی از خانه بیرون شد و آب را دید ترسید و ما او را دلداری دادیم و در کراچی دستی او را جابجا کرده یک فرد را موظف کردیم که او را از نیم متر آب آن طرف تر انتقال دهد تا به سرک قیرویزی برسد و به خانه خود برود .

فکر نمی کنیم که شما راضی باشید که یک مهمان را در کراچی انتقال دهید و شاهد نیم متر آب در حویلی خود باشید .

بهرصورت ما نه قایق داریم و نه کشتی که در داخل خانه و بیرون از آن استفاده کنیم .

حالا دوستانه از شما می خواهیم به رییس ناحیه ششم دستوردهید که با طرح ابتکاری خود این مشکل را حل سازد .

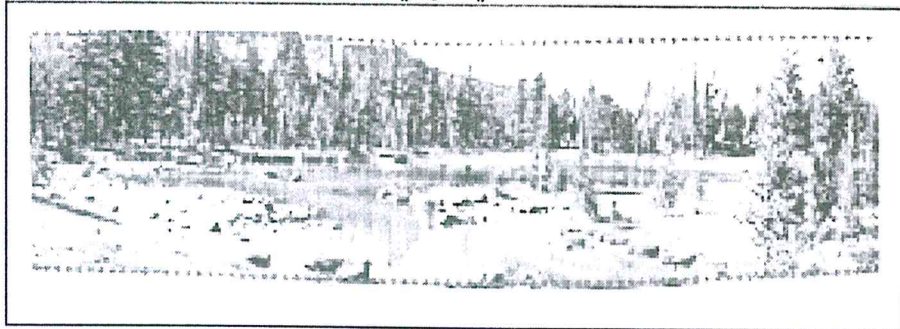
مغلسستان و حتی جنگل افغانستان را تسخیر نماید، روباهای حيله گرهه دست روی دست نگذاشتند و تفكرآزادی بیان ، انتخابات و حقوق زن را در بين حيوانات تبليغ نمودند و بدین طريق پكت جدیدی از روباصفتان را بوجود آوردند .

این دو قطبی بودن باعث جنگ سرد بين خرس های قطبی و روباهای غربی شد و در خط کشی ها و حدود اربعه قلمرو این دو حیوان ، حیوانات دیگر قربانی شدند و جنگلات دوردست در آتش نفاق و انتخاب نظام سوخت و هزاران حیوان قربانی دوگانگی و سیاست های شرق و غرب شدند .

روباهای غربی با استفاده از تکنیک ژنیتیکی خرس های قطبی را کم کم کوچک اندام تر و آرام تر کرد و رفتارخشن



سید داود یقوبی



آنان را به کنترل خود درآورد و جالب اینکه این پروسه ادامه دارد و حیوانات غربی می خواهند خرس های روسی شکل و شمایل آنان را داشته باشد تا باشد که در جنگل سبز سیتیم تک قطبی حکم فرما گردد و دیگرحیوانات قربانی دو دسته گی نشوند و جنگل یک دست ملقب به جنگل جهانی شود و تمام حیوانات جهان از یک حیوان فرمان برند .

اما گرگ های زرد که نسل شان در کنار دریای زرد چین بیشتر به نظر می رسد از این حکومت دارای چندان راضی نیست و گاه گاه با صدای بلند روزه می کشد و به حیوانات این سرزمین می گوید که روباه ها هیچ گاهی در مقابل گرگ های زرد تاب مقاومت را نخواهند داشت اما روباهای غربی سیاست های ماکیاولی را خوب می دانند و با هزار حيله و نیرنگ جنگلات دور و نزدیک را به سوی خویش می خوانند .

گاه آنان می گویند ، بگذارید گرگ های زرد چینی با ما کشتی نرم گیرند و ما در این کشتی آسیبی نخواهیم دید ، اما گاه گاهی واقعا می ترسند که این کشتی نرم استخوان های آنان را نشکند و آنان را زمین گیرکنند.

روباها تشکیلات منظمی برای خود درست کرده اند و هرروز تشکیلات شان محکم ترمی شود و بدین طریق می خواهند جنگلات دیگر را اداره نمایند و حیواناتی را که برایشان خطرآفرین است از صحنه دور نمایند .

این گیرودار درجنگلات جهان ادامه دارد و روباه ها با تفکر و حيله و نیرنگی که دارد هنوز هم لقب سلطان جنگل را با خود دارند ، چون زمانه با روباه صفاتان است و هیچ حیوانی هوشیارتر و حيله گرتر از او نیست .

و بازیگر و نیرنگی که دارد توانسته است تا اندازه یی افکار عمومی را بسوی خود جلب نماید و حیوانات را با اصطلاحات چون مشارکت عمومی ، انتخابات ، نهاد های حیوانی وحرکت های جمعی در گرد خود جمع نماید .

اما با آزادی که در بین حیوانات به وجود آمده است ، تعدادی با یکدیگر شور و مشوره می کنند که آیا جایگزین این حیوان هوشیار و حيله گر حیوان دیگر خواهد شد . تعدادی کاندید های خود را انتخاب کرده اند هر کدام بخاطر بدست گرفتن عنوان سلطان جنگل می خواهند نظریات دیگران را به خود نزدیک سازند .

عقاب پرنده تیزپرواز از همه بیشتر تلاش دارد و می گوید که تنها حیوانی که آزاده گی و استقلال را بهتر درک می کند من هستم ، او می گوید آسمان مال من است و زمین زیر نگین چشمان تیزبین من خم میشود و هیچ حیوانی نمی تواند در زمین از دید تیزبین من درامان باشد ، من می خواهم در اولین فرصت موشان خراب کار را شکار نمایم و روباهای مکار را در جنگال های خود گیرم و در آسمان آزادی پپرواز درآیم و آنقدر بلند روم تا زمین کوچکتر و کوچکترشود ، آنگاه این سلطان دروغین را رها سازم و خوب بنگرم که چگونه سر به زمین می کوید و چون دایناسورهای دیروز منقرض می شود .

تعدادی از نویسنده گان طنز خواهش کردند که تاریخچه حزب حیوانات را بنویسم ، من هم به تقاضای آنها لبیک گفتم و اینک کوتاه ومختصر تاریخچه حزب حیوانات را در این شماره می نویسم .

دراصل با زبان حیوانات می خواهیم نکات برجسته سیاسی و مسایل سیاسی را به خورد انسان ها بدهیم و از این طریق روش درستی را برای آدم های وطن پرست و مهین دوست تعیین نماییم و این حرکت ها را در متون قدیم آریایی ها به زبان های سانسکریت و اوستایی می بینیم و قدیمی ترین حرکت های سیاسی از طریق حزب حیوانات را در کتاب مهابهارت می توانید دریابید و بعد از آن در متون آیین های کهن این آموزه

یک نامه سرگشاده به رییس جمهور

های این شاگردان نخبه را بدست گیرد . این آرزوی اولیای تمام شاگردان است که مسئولیت تربیت شاگردان باز هم بدوش معلمین باتجربه ترک گذاشته شود و اگر این کار صورت گیرد ، شاگردان افغان ترک سرنوشت مردم ما را بدست خواهد گرفت .

انجینیر خوب ، داکتر خوب ، خبرنگار خوب ، استاد خوب و ووو همه فارغ تحصیل این دانشگاه خواهد بود .

شاگردان این دانشگاه با تربیت خوبی که دارند ، دیگر به فساد و رشوت و خیانت روی نخواهند آورد .

دیگر زلزله خانه یی را که انجینیرافغان ترک تربیت کرده است ویران نخواهد کرد . دیگر افغان های ما به داکتر پاکستانی و ایرانی و هندی رجوع نخواهد کرد و این شاگردان خوب و خلاق افغان ترک هستند که می توانند همه مشکلات را حل نمایند .

پس تقاضای ما از رییس جمهورترکیه این است که جای پول و کمک های اقتصادی تربیت فرزندان ما را به دوش گیرند و دانشگاهی در کابل بسازند تا دیگر نیازی نباشد شاگردان افغان ترک به ترکیه سفرنمایند و آرزوی هر شاگرد افغان ترک این است که از محبت ودوستی معلمین خوب ترکیه بهره مند شوند .

معلمین افغان ترک جز محبت ودوستی وتعلیم درست و تربیت عالی به شاگردان نیاموخته اند پس نگذارید این محبت و دوستی نیمه تمام بماند و شاگردان در نیمه راه باقی بمانند .

البته تقاضای ما از وزارت خارجه و وزارت تحصیلات عالی نیز این است که با مسئولین وزارت تحصیلات عالی وبا دوستان خیرترکیه که دربخش خصوصی مکاتب ما را راهنمای می کنند صحبت هایی نمایند و آنها را ترغیب به دانشگاه های عالی افغانستان نمایند و جای اینکه کشورایران که مغرضانه عمل می نماید و جای اینکه کشورهای دیگرشاگردان سیاسی تربیت می نمایند از آنها دعوت شود که در این مسیرخیرخواهانه سرمایه گذاری نمایند .

اگر نگاهی به گذشته ترکیه داشته باشیم خواهیم دید که بهترین افسران پلیس و بهترین کادرهای مادر این کشور تربیت شده اند و در طول تاریخ ترکیه تنها کشوری بوده است که رسالت خود را در مقابل افغان ها انجام داده اند و افغان هانیز در بدترین شرایط یار و یاور این کشور دوست و همدین بوده اند و این دوستی در شرایط کنونی نیز به نفع هر دو ملت است و از همه مهمتر اینکه کشور ترکیه در جهان اسلام نقش اساسی خود را خوب بازی کرده است و همین حالا در همه مسایل سیاسی ، اقتصادی ، فرهنگی و علمی جایگاه خاصی در بین ملت های مسلمان دارد .

پس چه بهتر که مسئولین دولت ما ومسئولین دولت ترکیه در این لحظه اساس تاریخی رسالت خود را انجام دهند و در همه زمینه ها روابط ما با کشور ترکیه ارتقا یابد و ما از تجارب بعد از جنگ بخصوص در راه رسیدن به علم و تکنولوژی از این کشور استفاده نماییم .

یک بار دیگر از مسئولین افغان و ترک می خواهیم زمینه آمدن استادان مجرب دانشگاه ها را از ترکیه فراهم سازد و دانشگاه به نام دوستی افغان ترک در کابل ایجادنمایند و از ظرفیت های که خود پرورش داده اند استفاده نمایند و فرزندان ما را در مسیر خوب قرار دهند .

تجارب گذشته نشان داده است که کشورهای بلوک سوسیالیستی و بلوک غربی در تربیت فرزندان ما مطابق میل و سیاست های خود حرکت کرده اند و ترکیه برعکس در همه زمینه هابدون مدعا به این کشور کمک نموده است .

ما اولیای شاگردان افغان ترک در کنار این که از کشور ترکیه تقدیر و تشکر بعمل می آوریم از این کشور می خواهیم باز هم در این شرایط خطیر یار و یاور فرزندان ما باشد تا باشد که افغانستان مستقل ، آزاد و سر بلند داشته باشیم و فرزندان ما دیگر نوکر شرق و غرب و اجیر کشورهای همسایه نباشد .

ها به نظر میرسد . عباسیان متون کهن هندی را به عربی ترجمه کردند به خصوص کتاب کلیله و دمنه را و تا امروز داستان های سیاسی که از زبان حیوانات گفته می شود در کوه پایه های ما نقل مجلس دهات است و زیاد تر در صندلی های زمستانی دهقانان و میرزاها این قصه ها را به جوانان می گفتند و این سنت هنوز هم از بین نرفته است .

بهرصورت اینک داستان حکومت داری در جنگ را به دوستان تعریف می کنیم و می بینیم که حیوانات چگونه حکومت کردند .

در قدیمی ترین داستان های حیوانی ما می بینیم که نظام حکومتی حیوانات - در دستن توانای دایناسورها بود و زمانی که دایناسورها حکومت را بدست آورده بودند شیرها این سیاست مداران کهن و کهنه پیخ هنوز در زیرپاهای آنان لگد مال

شدند و آنها قدرت نفس کشیدن را نداشتند .

اما قدرت لایزال همان طور که فرعون پادشاه و امپراطورانسان ها را از صحنه سیاسی حذف کرد ، سنگ آسمانی نیز نسل دایناسورها را از بین برد و دیگر حیوانات از شر این جناورعظیم جثه نجات یافت و حیوانات جنگل دیگر از صدای رعد آسای این حیوان نجات یافتند و علما و محققین دوران حکومت این حیوانات را به چندین میلیون سال قبل تخمین زده اند از آن زمان بود که شیران این ستمگران تاریخ استبداد باشادی و پایکوبی نابودی دایناسورها را جشن گرفتند و از خداوند منان شکر گزاری نمودند که دشمن دیرین شان از بین رفت و زمینه انتقال مسالمت آمیز قدرت به آنان واگذارگردید .

بعد از نابودی دایناسورها حیوانات مظلوم چاره یی نداشتند جز اطاعت بی چون و چرا از این حیوان درنده و بد خود و این پروسه چندین هزار سال طول کشید و در طول هزاره های زیاد این شیران بودند که در کشورهای اروپایی و آسیایی و حتی آفریقایی نام سلطان جنگ را یکد می کشیدند تا اینکه آفتی زمینی بنام انسان به جنگل حمله کرد و شاهزاده گانی به نام آدم برای تنوع شروع کشتاراین درنده گان نمودند .

حتی شیر سلطان جنگل از آدم های دو پا ولی خطرناک می ترسیدند ، شوالیه های فرانسه و کاوبای های کوبا و تزارهای روسیه وسلاطین غزنوی و سامانی و خوارزمی هزاران شیر جنگل را در مناطق مختلف از بین بردند و بدین طریق سلطان جنگل از ترس به غارها پناه بردند و در نبود سلطان قدرت در غرب به دست روباه ها و در شوروی به دست خرس های قطبی افتاد . به همین دلیل خرس های قطبی و روباهای غربی جهان دو قطبی را پایه گزاری نمودند .

نظریات اشتراکی زن و زمین خرس های قطبی توانست جنگل های لهستان ، آلمان شرق و پولند و هنگری و

جنگ و صلح برادران همزادند

سید داود "یعقوبی"

قسمت آخر

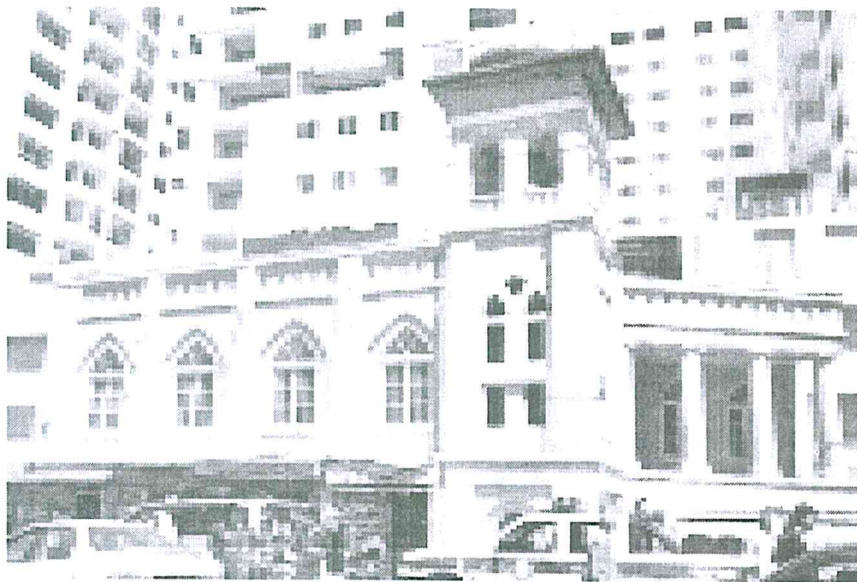
جلوش ریختند ، آن وقت قلم و کاغذ آوردند تا برای خانم دعا بنویسد .

مرد مسافر قلم و کاغذ را برداشت و روی کاغذ نوشت : " خودم به جا ، خرم به جا ، میخوامی بزا ، نمی خواهی نزا ؟ " این دعا را در داخل یک کاسه آب بشوید و بعدا به مریض بنوشانید فوراً می زاید .

دست برقضا طالع مرد مسافریار و بختش مددگار شد و یک ساعت بعد زن به راحتی زایید

و خوشحالی شما توجه به ضرب المثلی نمایم و داستان این مثل را تعریف کنیم و طراحان جنگ و کسانی را که جنگ می کنند و در این جنگ هست و بود مردم را به باد می دهند به " مردمسافر" تشبیه کنیم که دعای صلح را می نویسد .

" مرد مسافری هنگام زمستان وارد شهری شد هرچه گشت جای نیافت که شب را در آنجا سپری نماید با ناامیدی از این کوچه به آن کوچه می رفت



ناگهان به درخانه یی رسید که در مقابل گروه کثیری از مردم جمع شده بودند .

پرسید : این جا چه خبراست ؟ گفتند : دراین خانه زنی زایمان دارد و با آن که سه روز پیش به او " چهاردره" رسیده است ، هرچه زور می زند کودکش تولد نمی گردد و همچنان به خود می پیچد از بخت بد حکیم یا دعانویسی هم نیست که او را علاج کند .

مرد مسافراز فرصت استفاده کرده گفت : من دعابویس هستم ، هزارنوع دعا را یاد دارم و می توانم مریض شما را تداوی کنم .

دوستان خانم مریض او را با احترام و سلام به درون خانه بردند و در اتاقی گرم جای دادند و خرس را هم در طویله بستند ، کاه و جو فراوانی

علت عقب مانی و دورماندن مسلمانان درک نادرست از اسلام است و به همین دلیل است که از اصل خویش دور مانده اند .

اگر در جهان یک تشکل کوچکی پیدا شود که اصل عدالت و اصل اسلام و اخوت و برادری را در نظر بگیرد ، بی شک نه تنها مسلمانان بلکه همه کسانی که عدالت را گم کرده اند در گرد این تشکل جمع می شوند و زیرپرچم عدالت خود را پیدا می نمایند .

اما گروه های به ظاهر اسلامی که در طول سه دهه جنگ به نام اسلام آنچه در اسلام حرام بود انجام دادند و به نام اسلام بشریت را به تمسخرگرفتند .

اکنون نیز گروه های اسلامی باید در راه خدا حرکت کنند و هر آن چیزی که در قوانین الهی حرام است و نهی شده از آن دوری نمایند و به نام اسلام ما را وارد جنگ های سیاسی و غیراسلامی نسازند .

اما اگر حقانیت خود را ثابت سازند و مسلمانان جهان بدانند که عدالت، دوستی ، مروت ، انسانیت ، صلح و دوستی با این گروه از مردم است ، پس از نامردمی دست برمی دارند و مردم می شوند .

گاندی یک غیرمسلمان بود ، ولی با مبارزات خویش طریقی را به جهان نشان داد و راهی را بازکرد که همه براو آفرین گفتند و با درک عدم خشونت و حرکت های منطقه دشمن قوی و بزرگی را به نام انگلیس به زانو درآورد

اکنون ما نیاز به صلح داریم و از سروصداهای که به نام صلح می شود خوشمان می آید و این حرکت ها باید به وجود آید و هرآن چشم مردم ما به آسمان تاریک و غبارآلود است که چندین دهه روی آفتاب گرم و آرامش بخش را ندیده است .

همه مردم آرزوی آنرا دارند که زاغان سیاه و بدنام به نام صلح راه جنگ نیمایند و در این مسیر نقش مثبت را بازی کنند و راهی را که بیشتر در شعله و رستاخیز جنگ موثر است نیمایند .

به امید آنکه انسان و بشریت بدانند که هیچ راهی جز هم زیستی مسالمت آمیز وجود ندارد و تنها انسان است که همدیگر را بیشتر می درند و به همدیگر خیانت می کنند و راه شیطانی اختیاری می نمایند ، اما اگر هرکدام به تعالیم الهی و مکتب های فکری و اندیشه های خردمندانه خود ببینیم به همین نتیجه خواهیم رسید که عدالت باید اجرا شود و این عدالت می تواند اساس و بنیاد تفکر و اندیشه های سیاسی را تغییردهد و در راه رسیدن به صلح ما را کمک نماید .

اما بدنیست که در آخر این بحث جهت تنوع

نوشابه های غیرالکلی

الکوزی

گامی بسوی

خود کفایی اقتصادی

اخیراً خبرهای سرمایه گزاری سنگین در بخش نوشابه های غیر الکولی از طرف کشورهای غربی به گوش ما رسید و گفته شد که این سرمایه گزاری می تواند به تعداد ۳۰۰۰ بیکار را جذب مستقیم و غیرمستقیم نماید و در کنار این مسائل دیگر نوشابه های کشورهای همسایه در افغانستان استفاده نشود و تمام ضرورت های ما از همین کارخانه ها پوره شود و ما دیگر سالیانه میلیون ها دالر را برای نوشابه های خارجی صرف نکنیم و زینت دسترخوان ما تولیدات ملی خودمان باشد ، حتی به کشورهای آسیای میانه و دیگرکشورها صادرات داشته باشیم و از این طریق جذب سرمایه های خارجی را به خود اختصاص دهیم .

گرچه قبلاً نیز کارخانه بزرگی آب میوه گیری بخصوص در بخش انار شروع به فعالیت کرده بود و صد ها کارگر را استخدام نموده و عملاً کار خود را شروع نموده بود .

اما بحث اصلی این است که ابتکار شرکت الکوزی را مردم ما نباید نادیده بگیرند و این موفقیت را برای آنان تبریک بگویند ، زیرا این حرکت بزرگ گام های اول سرمایه گزاری خارجی در افغانستان است و اگر این حرکت های عاقلانه ادامه یابد و سرمایه داران ما جای بلند منزل و هدر دادن سرمایه های خود روی تولید پدیدنشدند ، دو مشکل عمده حل می شود .

اول اینکه بیکاری که باعث بی امنیتی و بی روزگاری و فقر مردم شده است از بین می رود و در قدم دوم بحث فرار سرمایه که سالیانه میلیارد ها دالر را در بر می گیرد حل می شود و دیگر در بیلانس های کشور ما رقم بالای واردات را نمی داشته باشیم .

اگر امروز ما مشکلاتی داریم همه قبول می کنند ، اما قبول بی تفاوتی در مورد زیرساخت های اقتصادی برای مردم مشکل است .

امروز گام های نوی برداشته شده است تا ما آهسته آهسته استقلال اقتصادی خود را بدست بیاوریم و ضرورت های اولیه خود را نه تنها حل سازیم بلکه برای کشورهای دیگرصادر نماییم تا باشد که مشکل اقتصادی ما بدون کمک های خارجی حل شود و ما نیز چون کشورهای روبه رشد صادرات داشته باشیم و یا حداقل واردات و صادرات ما توازن و میزانی داشته باشد و یا به گفته عوام دخل ما کم و خرج ما اضافه نباشد .

گرچه گام های عملی از طرف دولت کمتر برداشته شده است ، اما این حرکت بخش خصوصی نیز انقلابی را به پا خواهد کرد و بعد از این سرمایه گزاران را بسوی خویش خواهد کشانید و دولت نیز باید با تدابیر به ترو آسان سازی سرمایه گزاری و حل مشکلات آنان توجه داشته باشد تا با مصرف کم تر تولید خوب و با کیفیت و قابل رقابت با کشورهای دیگر تولید گردد و اجناس کشور ما در بازارهای دیگر کشورها فروش خوبی داشته باشد .

سرمایه گزاری روی آب گردان ها و مدیریت آب که می تواند صدها هزارتن غله را به مردم فقیرمادهد و سرمایه گزاری روی معادن که می تواند ما را از وابستگی به کشورهای خارجی نجات دهد باید در اولویت قرارگیرد تا باشد که ما از لیست کشورهای فقیر و کم درآمد حذف گردیده به کشورهای روبه رشد و توسعه بپیوندیم و همین استقلال اقتصادی باعث خواهد شد که دیگر حرف های بی ربط کشورهای جهان خوار را قبول نکنیم و گام های استواری در راه اعتلای اقتصادی ، فرهنگی و سیاسی برداریم و به جهان این یک نکته را ثابت سازیم که مردم ما نه تنها تنبل نیستند بلکه در با استفاده از نیروی فیزیکی و فکری خود تحولات بنیادینی را در کشور به وجود آورده اند و می توانند در جهان کار و سرمایه رقابت نمایند .

مردم ما انتظار آن روز را دارند که در همه زمینه ها استقلال داشته باشند و بدون دغدغه با خاطر آرام در امنیت کامل زنده گی کنند و چون سایر کشورهای پیشرفته در کنار جوامع بشری به زنده گی صلح آمیز و مسالمت آمیز ادامه دهند و دیگر در تلویزیون های کشورهای مختلف نامی از جنگ افغانستان نباشد و همه دست همکاری و دوستی را بسوی این مردمان زحمتکش دراز نمایند و مردمان این سرزمین به فرزندان خود افتخار نمایند .

و خدا او رایک بچه خوش قواره داد و خویشاوندان زن به پاس این کار بزرگ ، مرد مسافر را چند روز دیگر نگهداشتند و با عزت و احترام از وی پذیرایی کردند و بعد از آنکه هوا خوب شد ، هدیه های فراوان به او دادند و روانه شهر و دیارش کردند .

حالا نسخه یی که برای صلح پیچیده شده است و دعانویسان می خواهند بنویسند ما باید در کاسه آب انداخته و به طرف های درگیر بخورانیم تا باشد که مادر وطن ما فرزندی به نام صلح بزاید .

اما دعا نویسان با خاطر جمع و خیال آسوده می خوابند و می گویند خودم بجا ، خرم بجا می خواهی بزا نمی خواهی نزا



پایان کار سه رویین تن

نویسنده : رهنورد زریاب

کابل بهار سال ۱۳۸۹

ناشر : انتشارات امیری

این کتاب که بدون مقدمه نوشته شده است روی شعر زنان و دوشیزه گان افغانستان در دهه شصت و خمسه اولیه و بازآفرینی یک حکایت خاورزمینی در آمریکای لاتین و روی موضوعات دیگر چون ولتر و سعدی و ... مطالبی دارد .

از همه مهمتر اینکه بحث های اسطوره یی رویین تنان نیز در این کتاب است که دوشداران اسطوره می تواند از آن لذت ببرند .

بهرصورت کتاب حاضر توسط انتشارات امیری به چاپ رسیده است و دوستداران این کتاب می توانند از این کتاب استفاده نمایند .

نام کتاب : دمتن خیرنی میتودولوژی نویسنده : معاون سرمحقق زلمی شیواد مل تیراژ : ۱۰۰۰ نسخه قیمت : ۱۶۰ افغانی

این کتاب که به زبان پشتو به چاپ رسیده است روی پس منظرهای متون تاریخی زبان پشتو و موفقیت های آن و روی روش های تحقیقاتی متون پشتو و میتودهای آن و روی اصول تحقیقات و روی تدوین و تحقیق و تصحیح موضوعات تخصصی که در نسخه شناسی و کارروی نسخه های قدیم بکار می رود تحقیقات خوبی نموده است .

نویسنده کتاب روش ها و متودهای را معرفی می کند که محققین می توانند از آن استفاده شایانی ببرند .

بی شک این کتاب از کتب شایسته تحقیقاتی است که اهل تحقیق و تجسس می توانند از آن استفاده خوبی نمایند .

دمتن خیرنی میتودولوژی

بیه کله علمی پروژه ۱۳۲۷ ه ش

لیکوال اوژبارونکی معاون سرمحقق زلمی شیوادمل

خبرروتنی
د افغانستان د علومو اکاډمۍ
د ژبو او ادبیاتو مرکز
پښتو تنه

آدرس: انتشارات امیری - جوی شیر - مارکیت کتابفروشی - کوچه چهارم
تماس: ۰۷۰۰۲۹۰۱۱۴ - ۰۷۰۳۰۳۰۳۸۵

انتشارات خیام
نام کتاب : تاریخ تحلیلی افغانستان
تالیف و ترجمه : عبدالحمید محتاط
چاپ : ۱۳۸۹
ناشر : انتشارات خیام
تیراژ : ۱۰۰۰

این کتاب تحلیل تاریخی از قرن پنجم تا نهم درخود دارد و آقای عبدالحمید محتاط در این اثر تلاش زیادی نموده است تا نکات مهم و مخفی دوره های مختلف تاریخی را بازگو نماید .

این کتاب که در حدود ۲۲۶ منبع و ماخذ دارد می تواند یکی از منابع خوب تاریخی و افغانستان شناسی باشد .

نویسنده این کتاب تحت عنوان سخنی چند

با خواننده گان عزیز ! می نویسد :

از آنجاییکه من مورخ نیستم ولی شرایط و اوضاع سیاسی کشورم مرا واداشت تا روی برخی از بخش های تاریک و مهم تاریخ کشور خویش بیندیشم و علل اساسی مصایب و بلاهت های محافل و خاندانهای که بنا به سلطه گرایی و انحصار طلبی تخریب را مایه آسمانی می پنداشدند و آنرا اجباراً بالای قاطیه مردم افغانستان اعمال مینمودند ریشه یابی و پیدا نمایم . بهر صورت خواندن این کتاب می تواند مطالب نوی را به خواننده عرضه دارد .



شاروالان کشورهای آسیایی را بدست آورد و در کنار دیگر شاروالان کشورهای آسیایی اینک نماینده شهر کابل نیز کرسی را بدست آورد و در کنار پرچم های کشورهای مختلف پرچم کشور ما نیز روی میز نماینده شهر قرارگرفت.